

موضع حقوقی و قانونی با رژیم شاهنشاهی برخورد
میشد، ولی از مقطع سالهای دهه ۴۰ که رژیم
شاهنشاهی ماهیت وابسته و فاسد خویش را
روز بروز آشکارتر میکرد، چنین شیوه برخوردی
طبعاً نمیتوانست که مثمر ثمر باشد.

از طرف دیگر ضرورت پایبندی این مبارزات به
ایدئولوژی محکم و متقنی که در تمام مراحل مبارزه
بشوند راهگشا باشد کاملاً احساس و درک میشد.
در این میان مارکسیستها بدلیل دیدگاههای
ماتریالیستی و ایدئولوژی غلطشان از یکطرف و
وابستگی به بلوک شرق از سوی دیگر، به ارزیابی
نادرستی از اهداف اصلاحات ارضی شاهانه و بقیه
اصول آن دست یافتند. درحقیقت حرکت رفرمیستی
شاه خائن آنها را باین بست مواجه ساخت و خلع سلاح
شدند.

اساساً به هنگامیکه منافع مردم مستضعف
کشورهای جهان سوم مطرح است همواره دوا بر قدرت
به سیاست واحدی دست مینمایند. و این مسأله را
بوضوح در مقطع ۱۵ خرداد ۴۲ نیز شاهد بودیم که
آمریکا و شوروی از دو موضع بظاهر متفاوت به
نتیجه وارزیابی واحدی دست یافتند و اگر که هیچ
دلیل دیگری برای حقانیت و اصالت قیام ۱۵ خرداد
۴۲ در دست نبود

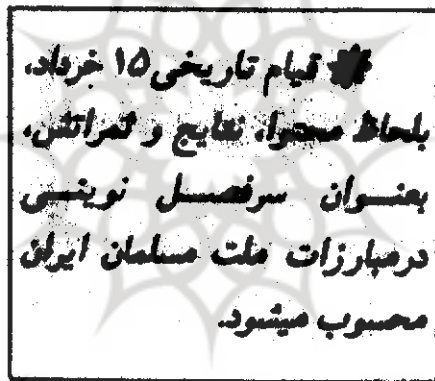
مخالفت دو ابر قدرت به تنهایی بر محتوای اسلامی و
غیرمتعهد بودنش صحنه میگذاشت.
جریانات اصیل مسلمان و در رأس آن امام
خمينی از همان ابتدا به ماهیت پلید اهداف رژیم پی
بردند و بنای مخالفت را آغازیدند. امام دقیقاً به این
مسأله واقف بودند که هدفهای اصلاحات شاه چیزی
جز نابودی اسلام و اقتصاد ایران و بازگذاشتن دست
آمریکا و اسرائیل را در امور داخلی کشور بدنبال
نخواهد داشت.

امام که اسلام را در خطر، سلطه آمریکا و
صهیونیسم را نزدیک و خیانتهای شاه خائن را
آشکار میدیدند نمیتوانستند که سکوت اختیار
نمایند. ایشان حرکت خودشان را با هدف حفظ اسلام
و استقلال کشور، افشای رژیم شاهنشاهی و آگاهی
مردم و روحانیون به شرایط زمان، علیرغم فشارهای
رژیم سلطنتی و مخالفتهای روحانیون ساده اندیش
با تکیه بر خدا و نیروی مردم مستضعف پایه ریزی
می کنند.

در سخنرانی روز عاشورای ۱۳۸۳ هجری قمری
(۱۳ خرداد ۱۳۴۲) امام خمینی بآه هدفهای بارز و



مفاسد اسلامی مردم ایران، اشاعه فرهنگ فساد و
فحشا، اسارت زنان، نابودی کشاورزی، وابسته
ساختن صنایع، دامن زدن به مسأله مهاجرت و اساساً
تشویق آن، گسترش و نفوذ فرهنگ مصرف تاعلم
روستاها و... از جمله اهداف این تهاجم محسوب
میشوند.



در اینجا در پی آن نیستیم که به هدفهای
مزورانه و درازمدت و اثرات سونی که این رفرمها
در جامعه ایران باقی میگذاشت بپردازیم، ولی در یک
کلام میشود چنین گفت که قرار گرفتن ایران در مدار
مناسبات شیطانیه ابر قدرتها منوط به «منتزع شدن
جامعه ایران از سرمایه های معنوی (ایدئولوژی و
فرهنگ اسلامی) و مادی اش (اقتصاد و...)» بود که
دست یافتن به این مهم در گرو تحقق باصطلاح
اصلاحات شاه بود.

محتوای قیام ۱۵ خرداد

تا این هنگام روح حاکم بر مبارزات ملت ما،
رفرمیستی و اصلاح طلبانه بود و صرفاً از یک

«بسم الله الرحمن الرحيم»

تاریخ مبارزات هرمزی مشحون از وقایع تلخ و
شیرینی است که هر کدام از آنها بنوبه خود نقشی کم
و بیش در تعیین جهت حرکت اجتماع از یکطرف و
از طرف دیگر در بالا بردن سطح آگاهی و شعور و
آمادگی شرایط ذهنی آن جامعه ایفا می نماید.

نگاهی گذرا و سریع به حرکتی پس از
مشروطه در ایران نشانگر وفور یک چنین وقایعی
در پهنه تاریخ مبارزات و هابی بخش امت قهرمان و
ایشانگر ایران میباشد بلحاظ ویژگیها و خصوصیات
قیامها، بعضی از آنها نقشی اساسی و تعیین کننده
در روند حرکت تعالی بخش انسانها بجای گذارده اند.
قیام تاریخی ۱۵ خرداد را بلحاظ محتوا، نتایج و
ثمراتش، بعنوان سرفصل نویسی در مبارزات ملت
مسلمان ایران میتوان بحساب آورد.

زمینه های تاریخی نهضت ۱۵ خرداد

رژیم شاهنشاهی پهلوی که پس از کودتای
ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ دوباره بر تخت سلطنت و
اریکه قدرت تکیه زده است در سالهای دهه ۴۰،
بدلیل اینکه از نظر سیاسی خود را تثبیت شده
می دانند به قصد هماهنگ ساختن هر چه بیشتر نظام
اقتصادی - اجتماعی ایران با استکبار جهانی و
در رأس آن شیطان بزرگ (آمریکا) به رفرمهایی
دست مینازد.

انقلاب سیاه شاه، این نوکر سرسپرده اجانب،
با هدف برداشتن کلیه موانع از جلوی راه وابستگی
ایران به غرب طرح ریزی میگردد. مقابله و توهین به

مشخص نهضت ۱۵ خرداد اشاره دقیق دارند: «امروز بمن خریداند که عده‌ای از وعاظ و خطباء تهران را برده‌اند به سازمان امنیت و تهدید کرده‌اند که از سه موضوع حرف نزنند، ۱- از شاه بدگویی نکنند. ۲- به اسرائیل حمله نکنند. ۳- نگویند که اسلام درخطر است... و دیگر هرچه بگویند آزادند. تمام گرفتاریها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگنیم اختلافی نداریم. باید دید که اگر ما نگویم اسلام در معرض خطر است، آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگویم شاه چنین و چنان است، آیا آنطور نیست؟ و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است که سازمان امنیت میگوید از شاه صحبت نکنید، از اسرائیل نیز صحبت نکنید. آیا بنظر سازمان امنیت شاه اسرائیلی است؟ آیا بنظر سازمان امنیت شاه یهودی است؟»

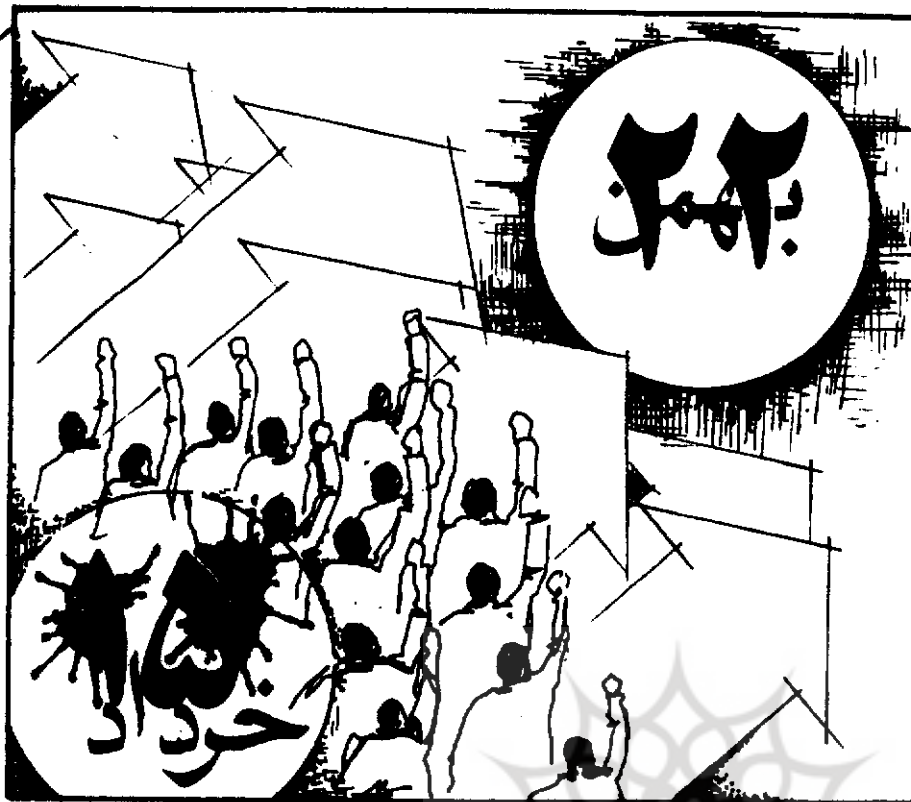
*** امام که اسلام را درخطر، سلطه امریکا و صهیونیسم را نزدیک، خیانتهای شاه خائن را آشکار میدیند، نمیتوانستند که سکوت اختیار نمایند.**

*** نقش مرجعیت و رهبری امام در**

قیام ۱۵ خرداد

همزمان با قیام توفنده امت رزمندگان ایران در ۱۵ خرداد ۴۲ - با مضمونی که بدان اشاره شد - امام امت بعنوان مرجع و رهبر بلامنازع درجهان اسلام طرح میشوند و صلاحیتها و شایستگیهای لازمه را بوضوح از خود بروز میدهند.

همانطور که اشاره شد امام با ارزیابی دقیق و اصولی‌ای که از اهداف رژیم و نقایص مبارزات قبلی امت ما در بعد ایدئولوژیک و استراتژیک داشتند به حرکتی نوین و همه‌جانبه دست می‌بازند. مسأله «دین از سیاست جدا نیست» و «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» از جمله مسائلی است که همواره مطمح نظر ایشان بوده است و قیام ۱۵ خرداد بر مبنای یک چنین تلقی‌ای شکل می‌گیرد و رهبری میشود.



یکی از دلایل گسترده‌گی قیام ۱۵ خرداد در میان مردم و اقبال آنها بدان، قرار گرفتن مرجعیت دینی در مقام رهبری سیاسی بود. بلحاظ تطابق مرجعیت دینی و رهبری سیاسی است که گفتار و نصایح و فتاوی سیاسی امام بصورت احکام شرعی بر مردم مسلمان واجب و لازم الاجرا میگردد.

از طرف دیگر امام همواره سعی کرده‌اند که با روحانیت نیز برخورد تعالی بخش و هدایتگر داشته باشند. این مسأله نیز موجب تمایز و برجستگی ایشان میباشد. در مورد قیام ۱۵ خرداد و شرح اهداف، علل، نتایج و آثار سرکوب طلاب و علما و... تماسهای مستمر با علمای تهران و نجف و سایر بلاد داشته‌اند و سعی وافق در آگاهی آنها به ماهیت رژیم و یادآوری رسالتی که بر دوش دارند (حفظ اسلام)، داشته‌اند. ایشان در تلگرامی بعنوان آیات عظام توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ ما بلغ)»

پیروزی انقلاب اسلامی بعنوان ثمره قیام ۱۵ خرداد:

استفاده موثر از دستاوردها و تجربیات حاصل از قیام تاریخی ۱۵ خرداد در سالهای پس از آن و در بقیه در صفحه ۷۸

تهران پس از بیان جزئیات فاجعه ۱۵ خرداد می‌گویند: «شاه دوستی یعنی غارتگری، هتک اسلام، تجاوز ب حقوق مسلمین، تجاوز ب مراکز علم و دانش. شاه دوستی یعنی ضربه زدن به پیکر قرآن و اسلام و سوزاندن نشانه‌های اسلام، محو آثار اسلامیت، شاه دوستی یعنی تجاوز باحکام اسلام و تبدیل احکام قرآن کریم، شاه دوستی یعنی کوبیدن روحانیت و اضمحلال آثار رسالت. حضرات آقایان

*** اگر قیام ۱۵ خرداد نبود،**

پیروزی ۲۲ بهمن هم نبود.

*** از مقطع سالهای دهه**

۴۰ که رژیم شاهنشاهی ماهیت

وابسته و فاسد خویش را

روز بروز آشکارتر میکرد،

برخورد رفرمیستی و اصلاح

طلبانه دیگر نمیتوانست مشرثمر

باشد.

نقش نهادهای انقلابی ...

س: آیا اساساً بین نهادهای دولتی و انقلابی تقابلی وجود دارد یا نه؟ با تفاوت‌های آنها چگونه باید برخورد کرد؟

ج: آنچه مسلم است اگر تضاد و تقابلی هم وجود داشته باشد باید به نفع انقلاب حل شود. نهادهای انقلابی در خدمت انقلاب هستند. بجای اینکه بیاییم بعضی جاها مثل تفکر لیبرالها که برنامه‌های داشتند که ارتش را در مقابل سپاه، وجه‌آدرامقابل ادارات بگذارند و... اصلاً اینها با هم تضادی ندارند که در مقابل هم قرار بگیرند.

آنچه که هم یک فرد شاغل در ادارات و بانهادها با آن دشمن هستند، آن ضوابط دست و پاگیری است که نظام اداری گذشته بر آنها تحمیل کرده است و باید که بجای اینکه بر سر هم داد و فریاد کنند این زنجیرها را پاره کنند.

نهادهای انقلابی هم بطور طبیعی مگر چه کسانی بودند؟ یکمده بجهای بی تخصص و جوان که شهادت‌طلبی و ایثار و تلاش آنها

خوب واضح است. انسانی که راه می‌رود اشتباه هم می‌کند آدم اگر راه نرود اشتباه نمی‌کند، منتهی باید دید مجموعه آن چطور است، مجموعه آن برای انقلاب چقدر تجربه و ارزش آفریده، این نهادها چون در جهت خدا کار کرده‌اند خدا هم راه را به آنان نشان داده و اگر در جهت خداوند باشند همچنان نشان خواهد داد. بنی‌صدر می‌گفت شما بی‌نظم و بی‌تشکیلات و خودسر هستید برای اینکه نهادها آن اطاعت کورکورانه‌ای که وی توقع داشت نداشتند. بله نهادها "بله‌قربان" گوی بالا دست نخواهند بود، بله‌قربان‌گوی نظام و اسلام هستند و نه فرد.

یکی از کارهای مهم نهادهای انقلابی اینست که یکسری آدم ساخته‌اند برای این انقلاب. شما نگاه کنید ۹۰٪ مسئولین کشور یک گذار از نهادهای انقلاب داشته‌اند. تقویت نهادهای انقلاب، تقویت سیستم اسلامی در حکومت است و اگر این نهادها نبودند شاید انسان باورش نمیشد که بشود این سیستم را

تشکیل داد. نهادها خط‌شکن هستند و اگر خط‌شکن نداشته باشیم نمی‌توانیم در جبهه اصلاح نظام اداری پیروز شویم. نهادها اگر تضعیف شوند سیستم اداری ما هم تضعیف می‌شود، یعنی اگر یک عده‌ای نباشند که جلو بروند و طلایه‌دار باشند اینها هم زیر آتش مشکلات نمی‌توانند پیشروی کنند.

تضعیف نهادها، تضعیف اصلاح ادارات است و تقویت نهادها، حرکت در جهت تقویت و اصلاح و بازسازی ادارات ما خواهد بود. درگذشته این تفکر که کارمند دولت خودش را ارباب مردم میدانست، وجود داشت که الحمدلله این برداشت دارد از بین می‌رود و این مطلب که کارمند حتی وزیر و... همه خدمتگزار مردم هستند و مردم ولی نعمت و ارباب اینها دارند جا می‌افتد، اگر برداشتها اینطور بشود نحوه برخورد هم فرق خواهد کرد. "انشاءالله" "والسلام"

اگر قیام ...

سالهای اوج انقلاب باعث تدک نظام جمهوری اسلامی استقرار یابد. تمامی مناسبات و روابط حقی که حاکم گردیده است و تمام ایثارگرها و جانفشانها و عشق به شهادتها را مرهون شهادی نهضت تاریخی ۱۵ خرداد هستیم، شهادی که در آن مقطع ظلمانی از تاریخ استبداد و استعمار با قطره قطره خون خود فریاد زدند «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم».

بوضوح میتوان چنین اظهار کرد که اگر قیام ۱۵ خرداد نبود، پیروزی ۲۲ بهمن هم نبود. انتخاب استراتژی «شهادت» و عمل بر اساس شعار «خون بر شمشیر پیروز است» و سازش‌ناپذیری امام در برابر ظلم و استبداد و استثمار، امت‌مارا به مسیر فلاح و رستگاری رهنمون شد.

اینکه امام خمینی از بعد از فاجعه ۱۵ خرداد، که تنگی بود برای رژیم شاهنشاهی، همواره سعی

نهادهای پرچمداران...

بصورت دو فوریتی یا یک فوریتی که این مسئله انشاء الله از نظر قانونی هم حل بشود. که وضعیت جهاد هم روشن بشود ولی بهرحال آن چیزی که من میخواستم توجه بدهم، این است که با اینکه جهاد میتواند با استفاده از اساننامه رشد بیشتر و حرکت سریعتر پیدا بکند، ولی در عمق حرکت جهاد نمیتواند اثری بگذارد برای این که این نهاد متعلق به مردم است، برانگیخته از درون مردم و توجه همه به این نهاد است و در نظام ما بزرگترین سرمایه برای هر نهادی و اصولاً هر حرکتی پشتیبانی این مردم ایثارگر است و جهاد سازندگی از آن نهادهایی است که عمیقاً همه ملت پشت سر آن ایستاده و به همین دلیل ما امیدواریم که این حرکت روز بروز ادامه پیدا کند انشاء الله والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

کرده‌اند که این روز زنده بماند و در تاریخ انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌اش را اشغال کند، بدلیل همین بیوندی جوهری‌ای است که بین اهداف نهضت از همان سالهای ۴۲ وجود داشته است.

حفظ محتوای «یوم الله ۱۵ خرداد» و عمل به آرمانهای آن از وظایف اولیه همه عناصر متعهد و مسئول است. تمامی شهدا از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۱۷ شهریور ۲۲ بهمن و تا کنون به نظاره ایستاده‌اند تا که وارثان انقلاب اسلام چه خواهند کرد.

بدیهی است تا تحقق تمامی آرمانهای انقلاب اسلامی و شهادی گلگون کفن آن، راه بسیاری در پیش است و باید که با توکل به الله در پرتو رهبری امام با تمام قوا در جهت تحقق شعار کلیوی انقلاب یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که از کمال پابندی دقیق به «قانون اساسی» - این ثمره خون شهادی اسلام - میگذرد کوشش و همت خویش را مینول داریم و با هر گونه اعوجاج و انحراف از این مسیر مقابله قاطع صورت گیرد.